



قاعدة فقهی عدالت

با تقریر آیه الله سید محمد مهدی موسوی خلیلی

علی الہی خراسانی

www.ketab.ir

الهی خراسانی، علی، ۱۳۶۳ -
قاعده فقهی عدالت با تقریظ آیه الله محمد مهدی موسوی خلخالی / علی الهی خراسانی.
- مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۲،
ISBN 978-964-971-622-0
۱۹۰ ص.

۱. عدالت اسلام. الف. موسوی خلخالی، سید محمد مهدی، ۱۳۰۴ - . ب بنیاد
پژوهشهای اسلامی. ج. عنوان.
BP ۲۳۰ / ۱۲ / الف ۷ / ۱۳۹۲
کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۲۹۷/۴۸۳۴
۳۱۳۱۵۱۴



قاعده فقهی عدالت

با تقریظ آیه الله سید محمد مهدی موسوی خلخالی
علی الهی خراسانی

ویراستار: مسعود ضیائی

چاپ اول: ۱۳۹۲ / ۲۰۰۰ نسخه، رقعی / قیمت ۴۱۰۰۰ ریالی
چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی
بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: صندوق پستی ۹۱۱۸۵-۲۶۶

مراکز توزیع:

تلفن و دورنگار واحد فروش بنیاد پژوهشهای اسلامی: ۲۲۳۰۸۰۳
فروشگاههای کتاب بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: ۲۲۳۳۹۲۳، قم: ۷۷۳۳۰۲۹
شرکت به نشر، دفتر مرکزی (مشهد) تلفن ۷-۸۵۱۱۱۳۶، دورنگار ۸۵۱۵۵۶۰

فهرست مطالب

مقدمه	۷
تقریظ حضرت آية الله سيد محمد مهدی موسوی خلخالی (دام ظلّه)	۱۱
بخش اول: کلیات	۱۳
تعریف و جایگاه قاعده فقهی، ۱۳ □ مسئله فقهی، نظریه فقهی و قاعده فقهی، ۱۷ □ قاعده فقهی عدل و انصاف رهیافتی به قاعده فراگیر عدالت، ۱۸ □ پیشینه قاعده عدالت، ۲۳ □ اشاره با اصل بودن عدالت در حقوق مالی (قاعده عدل و انصاف)، ۲۶ □ تأثیر عدالت در استنباط فقهی، ۲۸ □ اول- قاعده فقهی و تطبیق احکام، ۲۸ □ سوم- استنباط نظام و مکتب اسلامی، ۲۹ □ سوم- عدالت به مثابه مقصد شریعت، ۳۲ □ پیشینه تاریخی مقاصد شریعت، ۳۴ □ ضرورت پرداختن به مقاصد شریعت، ۳۶ □ تعریف مقاصد شریعت، ۳۷ □ اقسام مقاصد شریعت، ۳۸ □ چگونگی دخالت مقاصد در اجتهاد شیعی، ۴۰ □ نتایج اصولی مقاصد شریعت، ۴۱ □ روش های دستیابی به مقاصد شریعت، ۴۲ □ ۱. قیاس، ۴۲ □ ۲. علت، ۴۲ □ ۳. استفسار، ۴۴	
بخش دوم: مفاد و ادله قاعده	۴۵
مفاد قاعده عدالت و عدل و انصاف، ۴۵ □ مفهوم لغوی، ۴۵ □ مفهوم دینی، ۴۶ □ مفهوم حقوقی، ۵۰ □ ملاک تشخیص عدالت در فقه، ۵۲ □ ۱. نظریه عدالت عرفی، ۵۲ □ ۲. نظریه عدالت شرعی، ۵۴ □ دلایل قاعده، ۵۵ □ ۱. آیات، ۵۵ □ مفهوم شناسی عدالت در آیات، ۵۷ □ دلالت آیات بر قاعده عدل و انصاف، ۵۹ □ طرح چند اشکال، ۶۱ □ دلالت آیات بر قاعده فراگیر عدالت، ۶۴ □ ۲. روایات، ۷۲ □ گروه اول، ۷۲ □ طرح اشکال بر دلالت	

۴ قاعده فقهی عدالت

روایات، ۷۹ □ گروه دوم، ۸۲ □ دسته اول، ۸۲ □ روایت شماره یک، ۸۲ □
بررسی سندی، ۸۳ □ دلالت، ۸۶ □ اشکال بر دلالت، ۸۷ □ روایت شماره
دو، ۸۹ □ اشکال سندی، ۹۰ □ اشکال بر دلالت، ۹۲ □ روایت شماره سه،
۹۴ □ اشکال بر روایت، ۹۴ □ دسته دوم، ۹۵ □ روایت شماره ۱، ۹۵ □ روایت
شماره دو، ۹۵ □ اشکال بر روایت، ۹۶ □ روایت شماره سه، ۹۷ □ اشکال بر
سند روایت، ۹۷ □ دسته سوم، ۹۸ □ روایت شماره یک، ۹۸ □ روایت شماره دو،
۹۹ □ طرح اشکال، ۱۰۰ □ دسته چهارم، ۱۰۱ □ روایت شماره یک، ۱۰۱ □
روایت شماره دو، ۱۰۲ □ اشکال بر روایات، ۱۰۲ □ جمع‌بندی دلیل
سنت، ۱۰۳ □ ۳. شهرت، ۱۰۶ □ ۴. سیره عقلا، ۱۰۹ □ الف - وجود سیره،
۱۰۹ □ ب - امضای سیره، ۱۱۸ □ نکته پایانی، ۱۲۳ □ ۵. حکم عقل، ۱۲۶ □
بررسی حکم عقل در قاعده عدل و انصاف، ۱۲۹ □ بیان اول، ۱۲۹ □
اشکال، ۱۳۰ □ بیان دوم، ۱۳۰ □ اشکال آیه الله حکیم، ۱۳۱ □ بیان
سوم، ۱۳۱ □ اشکال، ۱۳۲ □ مقایسه ادله و جمع‌بندی مفاد قاعده، ۱۳۳ □
بررسی عدالت به مثابه قدا احکام کلی شرعی، ۱۳۳ □ عدالت به مثابه
شاخص اجرای احکام اسلام و اداره حکومت اسلامی، ۱۴۲ □ شناخت حکم
حکومتی و تفاوت آن با احکام اولی و ثانوی، ۱۴۴ □ تقریر نظریه عدالت به
مثابه شاخص اجرای احکام و اداره حکومت اسلامی، ۱۴۹ □

بخش سوم: رابطه قاعده با احکام اولیه و دیگر قواعد فقهی ۱۵۸

۱. رابطه قاعده فراگیر عدالت با احکام اولیه، ۱۵۸ □ الف - حکومت عدالت بر
احکام اولیه، ۱۵۸ □ ب - انصراف یا تقييد ادله توسط قاعده عدالت، ۱۶۲ □
۲. تعارض قاعده عدل و انصاف با سایر قواعد فقهی، ۱۶۳ □ ۱. قاعده
لاضرر، ۱۶۴ □ ۲. قاعده قرعه، ۱۶۴ □ ۳. قاعده ید، ۱۶۶ □

بخش چهارم: تطبیقات فقهی قاعده ۱۶۸

الف - باب عبادات، ۱۶۸ □ ب - باب معاملات، ۱۷۰ □ ج - باب قضاء و
شهادت، ۱۷۴ □

فهرست منابع ۱۷۹

مقدمه

در پیچ و خم مسابقات اجتماعی در روزگار حاضر، برای برپایی حکومتی اسلامی و به دست گرفتن مدیریت جامعه و دولت توسط فقه پویا، نیاز به یک مدل فقهی برای این مهم بسیار احساس می‌شود. امروزه تلاش‌های فقهی گسترده‌ای برای پر کردن خلأ موجود در فقه سنتی صورت گرفته است تا بتوان به فقهی کارآمد و پر توان در عرصه حکومتداری رسید. نظریه منطقه الفراغ، جایگاه‌بخشی به زمان و مکان در اجتهاد، توسعه نهاد حکم حکومتی و تدوین قواعد جدید فقهی از این دست تلاش‌ها هستند.

قواعد جدید فقهی می‌تواند در سیاست، اقتصاد و قضا کارگشا باشد؛ مانند قاعده حریت، قاعده اهم و مهم، قاعده سهولت، قاعده مساوات و غیره.

در سال‌های اخیر، عدالت به عنوان یک قاعده فقهی تراگیر، دستمایه برخی پژوهشگران عرصه فقه شده است تا به فقه پویایی ببخشند. و به اندیشه خود، فقه را از انزوا به سوی کارآمدی ببرند و بتوانند چالش‌های فراروی اجرای احکام را برطرف نمایند.

ایشان با نگاه جدید به عدالت و کاربرد آن در ابواب مختلف

فقه، بر این هدف هستند که از عدالت، قاعده‌ای فقهی بنا کنند و استنباط احکام شرعی را بر اساس آن سامان دهند و این قاعده را در روش‌های کنونی اصول فقه و فقهت، وارد نمایند؛ قاعده‌ای فراگیر و شمول‌گستر که تمامی ابواب فقه را درمی‌نوردد و حتی به پندار برخی، می‌تواند احکام را نیز نسخ نماید!

در میان تراث اصولیان و فقیهان، از عدالت به عنوان یک قاعده فقهی کمتر سخن به میان آمده و بیشتر در بحث تقسیم حقوق، مانند: تقسیم حق ملکیت هنگام تعارض بینه از آن سخن گفته شده است که از آن به «قاعده عدل و انصاف» یاد کرده‌اند؛ اما همان‌جا نیز برخی فقیهان عدل و انصاف را در تقسیم حقوق یک قاعده فقهی نمی‌دانند به گونه‌ای که تقسیم حق ملکیت بر اساس آن باشد. از دشواری‌های پژوهش پیرامون عدالت در قامت یک قاعده فقهی، کمبود منابع در این زمینه است و چنان‌که اشاره شد فقیهان و اصولیان نیز کمتر بدان پرداخته‌اند. مقاله «عدالت به مثابه قاعده فقهی» نوشته استاد مهدی مهریزی و مجموعه گفت‌وگوهایی با اساتید حوزه و دانشگاه در قالب کتاب «قاعده عدالت در فقه امامیه»، تمام تلاشی است که در راستای قاعده‌مندسازی مفهوم عدالت در فقه انجام یافته است.

قاعده عدل و انصاف نیز که در واقع تطبیق عدالت در تقسیم حقوق است کمتر در کتب موجود قواعد فقهی مطرح شده و تنها به صورت پراکنده در ابواب فقهی و به ویژه در باب تعارض بینه‌ها، از

آن یاد شده است. تنها کتاب «مبانی الفقه الفعال» به قاعده عدل و انصاف به طور مستقل و تفصیلی پرداخته و نظرات دیگران را تا حدودی بیان داشته و از قاعده عدل و انصاف دفاع نموده است.

در این پژوهش تلاش شده تا به نظراتی که پیرامون عدالت به مثابه یک قاعده فقهی فراگیر عنوان شده است پرداخته شود، زوایای این بحث مهم و پرکاربرد تا حد ممکن روشن گردد و تطبیقی که فقیهان نسبت به عدالت در تقسیم حقوق کرده‌اند و از آن به قاعده عدل و انصاف یاد می‌کنند به طور تفصیل و مشروح بیان شود.

در خلال این نوشتار بدین نتیجه رسیدیم که اگر چه تأثیر عدالت در استنباط فقهی در قالب قاعده‌ای فقهی با چالش روبه‌رو است و به نظر می‌رسد عدالت از حکمت احکام فراتر نرود اما باید گفت عدالت در واقع معیاری برای حکم حکومتی است و تأثیری تام و مهم در تحقق احکام اسلام در عینیت بیرونی دارد. به این امید که این تحقیق، بتواند راهی هر چند اندک به این بحث بگشاید؛ ان شاء الله.

در اینجا بر خود لازم می‌دانم از راهنمایی‌های ارزشمند استاد فرهیخته حضرت حجة الاسلام و المسلمین محمد مروارید و نیز مشاوره‌های راهگشای دانشور ارجمند استاد حجة الاسلام و المسلمین مجتبی الهی خراسانی نهایت تشکر و قدردانی خویش را ابراز نمایم.

همچنین از فقیه گرانقدر حضرت آیه‌الله سید محمد مهدی

۱۰..... قاعدة فقهی عدالت

موسوی خلخالی (دام ظلّه) که در حقّ نویسنده لطف نموده این تحقیق را تأیید و بر آن تقریظی نگاشتند، بسیار سپاسگزارم و از خداوند متعال می‌خواهم ما را شاکر وجود پربرکت عالمان دینی قرار دهد.

علی الهی خراسانی

حوزه علمیه مشهد

اسفند ۱۳۹۰

www.ketab.ir